

اسراء، ولادت، شائخا

و مسوولیت

اللہ علیہم

حضرت صدیق اکبر

با صداقتان

سایت رسمی جناب آقای غلامرضا صادقی فرد

صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدٌ وَبَلَكَ

« اعلام برنامه مناسبت های مذهبی
« انتشار محتوای ارائه شده در مناسبت های مختلف
« نگاهی دقیق و تازه به تاریخ اسلام
« بررسی اعتقادات شیعه و شبهات وارد شده

پرسش و پاسخ 

فروشگاه 

وبلاگ 

پخش زنده 



برای دریافت فایل‌های صوت،
متن و پاورپوینت مربوط به
مباحث مطرح شده در این شبها
می‌توانید به پایگاه اینترنتی

www.sadeqifard.com

مراجعه کنید.

و
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَانَا
عَمَّا كُنَّا نَسْتَدْرِمُ



شب چهارم محرم ۱۴۴۱



السلام عليك يا أبا عبد الله
وعلى الأرواح التي حلت بفنائك
السلام على الحسين
وعلى علي بن الحسين
وعلى أولاد الحسين
وعلى أصحاب الحسين

حقیقتی بہ نام **اللیل** و سلطہ اش بر تمام آفرینش

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وَاللَّيْلِ إِذَا

يَغْشَى * وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى * وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ

وَالْأُنثَى * إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى﴾

سورہ شمس، ۷۵ تا ۷۹.

قال رسول الله ﷺ

ان لقتل الحسين (ع) المؤمن
حرارة في قلبه ولو لمؤمنين
لا تتركوا ابداً

كَذَّبَ الْمَوْتُ فَالْحُسَيْنُ مُحَمَّدٌ

كَلَّمَا أَخْلَقَ الزَّمَانُ تَجَدَّدَ

إِنَّ سَيْفَ الْحُسَيْنِ حَيًّا وَمَيِّتًا

يَحْسِمُ الْكُفْرَ مُغَمَّدًا وَمُجَرَّدَ



هجران گرفته دور و برم را برای چه؟

خون می کنی دو چشم ترم را برای چه؟

وقتی قرار نیست کبوتر کنی مرا

بخشیده اند بال و پرم را برای چه؟

گر نیستی غریب، مگو پس انا الغریب

صد پاره می کنی جگرم را برای چه؟

از نسیب بر ما فایز و را (۵۵)

دارد سرت برای چه آماده می شود؟

پس آفریده اند سرم را برای چه؟

زحمت کشیده ام که چنین قد کشیده اند

بر باد می دهی ثمرم را برای چه؟

من التماس می کنم و طفره می روی

شاید عوض کنی نظرم را برای چه؟

از من پذیرتا ما خورا (ها)

از مثل تو کریم توقع نداشتم

اصلاً گذاشتند کرم را برای چه؟

باشد نمی روند، ولی جان من! بگو

آورده‌ام دو تا پسر را برای چه؟

سلام

علی اکبر لطیفیان

بخشی از زیارت حضرت سید الشهداء در روز عرفه:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَاوَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَاوَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَاوَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَاوَارِثَ مُوسَى
كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَاوَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَاوَارِثَ مُحَمَّدٍ
حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَاوَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَاوَارِثَ
فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ عَلِيٍّ
الْمُرْتَضَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَدِيجَةَ

الْكُبْرَى

بخشی از زیارت حضرت سید الشهداء در روز عرفه:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ، وَالْوَتَرَ الْمُوتُورَ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ
الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ،
وَأَطَعْتَ اللَّهَ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ. فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً
ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ. يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ
اللَّهِ، أَشْهَدُ اللَّهُ وَمَلَائِكَتُهُ وَأَنْبِيَائُهُ وَرُسُلَهُ، أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِإِيَابِكُمْ
مُوقِنٌ، بِشَرَائِعِ دِينِي، وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي، وَمُنْقَلَبِي إِلَى رَبِّي.

بخشی از زیارت حضرت سید الشهداء در روز عرفه:

فَصَلِّوْا تُ اللّٰهِ عَلَيَّكُمْ وَعَلَىٰ أَرْوَاحِكُمْ وَعَلَىٰ أَجْسَادِكُمْ وَعَلَىٰ شَاهِدِكُمْ وَعَلَىٰ
غَائِبِكُمْ، وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَابْنَ
سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَابْنَ إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَابْنَ قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ إِلَىٰ جَنَّاتِ
النَّعِيمِ. وَكَيْفَ لَا تَكُونُ كَذَلِكَ وَأَنْتَ بَابُ الْهُدَىٰ، وَ إِمَامُ التُّقَىٰ وَالْعُرْوَةُ
الْوُثْقَىٰ، وَالْحُجَّةُ عَلَىٰ أَهْلِ الدُّنْيَا وَخَامِسُ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ. غَذَّتْكَ يَدُ الرَّحْمَةِ،
وَرُضِعْتَ مِنْ ثَدْيِ الْإِيمَانِ، وَرُبِّيْتَ فِي حِجْرِ الْإِسْلَامِ.

بخشی از زیارت حضرت سید الشهداء در روز عرفه:

فَالنَّفْسُ غَيْرُ رَاضِيَةٍ بِفِرَاقِكَ، وَلَا شَاكَّةٌ فِي حَيَاتِكَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ
عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ وَأَبْنَائِكَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَرِيحَ
العَبْرَةِ السَّاكِبَةِ، وَقَرِينَ المُصِيبَةِ الرَّاتِبَةِ. لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً
اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ المَحَارِمَ. فَقَتِلْتَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ مَقْهُورًا،
وَأَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَ مَوْتُورًا، وَأَصْبَحَ
كِتَابُ اللَّهِ بِفَقْدِكَ مَهْجُورًا.

بخشی از زیارت حضرت سید الشهداء در روز عرفه:

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى جَدِّكَ وَأَبِيكَ، وَأُمِّكَ وَأَخِيكَ، وَعَلَى
الْأئِمَّةِ مِنْ بَنِيكَ، وَعَلَى الْمُسْتَشْهِدِينَ مَعَكَ، وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ
الْحَافِينَ بِقَبْرِكَ، وَالشَّاهِدِينَ لِزُورِكَ، الْمُؤْمِنِينَ بِالْقَبُولِ عَلَى
دُعَاءِ شِيعَتِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ...».

حقیقتی بہ نام **اللیل** و سلطہ اش بر تمام آفرینش

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وَاللَّيْلِ إِذَا

يَغْشَى * وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى * وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ

وَالْأُنثَى * إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى﴾

سورہ شمس، ۷۵ تا ۷۹.

نوری تابناک برای شناخت اسراء

از هفت قسم قرآنی به «اللیل»، در شش قسم آنها به زمان خاصی از آن شب معین، سوگند یاد شده است. این زمان در پنج آیه از آنها با «إذا» و در یک آیه با «إذ» مشخص شده است. هر یک از این پنج «إذا» و نیز آن یک «إذ»، پرده از یک ویژگی از ویژگیهای «اسراء» برمی دارد.

هفتمین قسم با إذا

﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ * وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ *

وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ * لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ *

فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾

سوره انشقاق / ۱۶ تا ۲۰.

تکلیف إذا در هفتمین قسم

«اتَّسَقَ» فعل باب افتعال «وَسَقَ» است. «اتَّسَقَ» لازم و
«وَسَقَ» متعدی است و به دنبال هم قرار گرفتن این دو
تعبیر در دو آیه: ﴿وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ * وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ﴾ این
خبر را می دهد که ایجاد کننده «اتَّسَقَ» در «القمر»،
فاعل فعل «وَسَقَ» در آیه: ﴿وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ﴾ است.

قسم تنها به یک بخش از یک شب معین

در تمام قسمهای قرآنی به «اللیل»، تنها

یک بخش از آن شبِ مشخص و نه تمام

بخشهای آن، مقصود نظر بوده است.

شبی که هر شب قدر نیست

این شب که خدا به آن قسمها یاد کرده،
شب قدر نیست زیرا تمام اجزای شب قدر از
عظمت برخوردار است نه تنها بخش مشخصی
از آن: ﴿سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ﴾.

شب اسراء و زمان اسراء

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ
الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ
لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾.

سورة اسراء/١.

استخراج ویژگیهای اسراء از این آیات

بنا بر این و از آن جا که تمام قسمهای کتاب خدا به گونه‌ای با «اِذَا» همراهی دارند و تنها بخشی از شب اسراء را مد نظر دارند که در آنها اسراء صورت گرفته است، می‌توان با استفاده از این قسمها به ویژگیهای آن شب دسترسی پیدا کرد.

تفاوت این لیل با لیلی که بر زمین حاکم است

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ * وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ﴾

سوره ابراهیم ۳۲ و ۳۳.

از تفسیرها فاضل (۱۵)

مروری بر تفکیر شیخ کاظمی به سیره

سلام الله ابدًا ما

تسخیر تمام آفرینش برای آیات کبری

خدا پس از آفرینش آسمانها و زمین، تمام آن چه را در آسمانها و در زمین است، به «تسخیر» آیات کبری خودش در تمام آفرینش - که آیات کبری پیامبر رحمت نیز هست - در آورده است.

ملکی عظیم برای آل ابراهیم

خدای حکیم آن گروه خاص از آل ابراهیم را که به آنان ملکی عظیم اعطا کرده، بر تمام آفرینش استوا داده و تمام عالم را برای آنان مسخر ساخته است و آنان، پیامبر رحمت و سایر آیات کبرای خداوند هستند که در «اسراء» به آن حضرت ارائه شدند.

قسمهای اسرایی اللیل نشان می دهد که ...

«اللیل» یکی از افرادی است که خدای حکیم تمام
عالم را برای او منسخر گردانده است و «الفجر»،
«الصَّبْح»، «النهار»، «الشفق» و «الضحی» نیز افراد
دیگری از همین گروه هستند.

تغشیه و غشیان

«تغشیه» مصدری از باب «تفعیل» برای فعل «غَشِيَ»
و به معنای «چیزی را تحت پوشش و سیطره کامل
دیگری در آوردن» است. این تعبیر به این صورت و
به صورت مجرد، در کتاب خدا کاربردهای
بسیاری دارد.

مقایسه‌ای بین دو آیه و درک مفهومی برای غشیان

● ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ
أَسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكُمْ
اللَّهُ رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾. سورة يونس / ۳.

● ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ
أَسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ
وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ
الْعَالَمِينَ﴾. سورة اعراف / ۵۴.

تدبیر تمام امر و اغشاء لیل بر نهار

بر اساس آیه اول، پس از «استوا» بر تمام آسمانها و زمین، **نوبت به** «تدبیر تمام امر» **می رسد:** ﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ﴾ و بر

مبنای آیه دوم، پس از «استوا»، **نوبت به مسلط سازی «لیل» بر**

«نهار» **با عملی به نام «تغشیه»، فرا می رسد:** ﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى

الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ

مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ﴾.

گزارش فراگیری آب و هلاک سازی فرعون

﴿فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُمْ﴾

﴿مِنَ اللَّيْلِ مَا غَشِيَهُمْ﴾

سوره طه / ۷۸.

فراگیری عذاب از بالا و پایین

﴿يَوْمَ يَغْشَاهُمْ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ

وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا

كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾

سوره عنكبوت / ۵۵.

تغشیه و غشیان به کشف نیاز دارد

﴿فَأَرْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ * يُغْشَى النَّاسَ
هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ * رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ *
أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ * ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ
وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ * إِنَّا كَاشِفُوا الْعَذَابَ قَلِيلًا إِنَّكُمْ

سوره دخان / ۱۵.

عَائِدُونَ﴾.

غشيان، تخشيه و اغشاء

کاربردهای مختلف «غش ی» نشان می دهد که «غشی» فعلی متعدی است. در عربی چنانچه فعل متعدی به باب «تفعیل» برود، اگر یک مفعولی باشد، به فعلی دو مفعولی و اگر دو مفعولی باشد، به فعلی سه مفعولی تبدیل می شود و در بعضی از مواقع، با استعمال این فعل در باب تفعیل، شدت انجام فعل، حکایت می شود.

تغشيه و به خواب رفتن مرکز کنترل

﴿إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسُ أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنزِلُ

عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ

عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ

وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ﴾.

سوره انفال / ۱۱.

تعبیر «غاشیه» برای قیامت و دوزخ

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * هَلْ

أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ﴾

سوره غاشیه / ۱.

تغشیه و تسخیر

تسخیر به دست گرفتن زمام اختیار و کنترل و استفاده از نیروی موجود مسخر شده در جای مورد نیاز و تغشیه از کار انداختن قدرت کنترل و تصرف در موجود به هر صورت دلخواه است. تسخیر استفاده از نیروی خورشید به هر صورت دلخواه است و تغشیه، قدرت خاموش سازی و فروزش خورشید است.

از تفسیرها ما خورا (۱۵)

خورشید در مشیت لیلی

سلامم الله ابدانا ما

خورشید در چنگ اللیل

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وَالشَّمْسِ

وَضُحَاهَا * وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا * وَالنَّهَارِ إِذَا

جَلَّاهَا * وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾

سوره شمس ۱ تا ۴.

قسم به شمسى مشخص

آیه اول از «سوره شمس» بعد از بسمله، حاوی دو

قسم است: قسم به «الشمس» و قسم به

«ضحای الشمس». ناگفته پیداست که «الف

ولام الشمس»، «الف ولام تعریف» است.

ضحی ، وقت خاصی از روز

«ضحی» به وقتی گفته می‌شود که خورشید در

وسط آسمان باشد. این وقت، از کیفیت قرار

گرفتن خورشید نسبت به زمین تعریف می‌شود. در

آیه: ﴿قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ

ضُحًى﴾، «ضحی» به این مفهوم است.

تنها مفهوم نیست

این مفهوم مشهور، تنها مفهومی است که در کتابهای لغت برای این واژه شمرده شده است
اما در منطق کتاب خدا، این تنها مفهوم مذکور در کتابها، تنها مفهوم این واژه نیست.

تفاوتهای زمین و بهشت

﴿فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا
يُخْرِجَنَّكَمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى * إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ
فِيهَا وَلَا تَعْرَى * وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَى﴾

سوره طه، ۱۱۷ تا ۱۱۹.

شمس و ضحی با دو مفهوم یاد شده

«شمس» با مفهوم اولی که برای «ضحی» گفته می‌شود، «ضحی» ندارد و این در حالی است که **خدا** به «ضحای شمس» قسم یاد کرده است. با مفهوم دوم، هم «شمس» می‌تواند «شمس» باشد و هم «ضحی» می‌تواند «ضحی» باشد.

القمر در زمان مشخصی دنبال الشمس می آید

در مورد ﴿وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا﴾ دیگر مشکل وابسته به

مفهوم «ضحی» و یا «تلاها» نیست. ضمیر «ها» در

«تَلَّهَا» نیز مانند ضمیر «ها» در «ضُحَاهَا» به

«الشمس» باز می گردد و هیچ مرجع دیگری برای این

ضمیر وجود ندارد.

موج سواری مفسران در این آیه

﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً

لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا﴾

سوره فرقان / ۶۲.

هریک در مدار خاص خود

﴿لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا
اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾

سوره یس / ۴۰.

این قمر، قمر دیگری است

بنا بر این، «القمر» را نیز باید قمر دیگری دانست و آن، همان قمری است که به دنبال شمس می آید؛ همان شمسی که غیر از خورشید زمین ماست.

پوشش کامل الیل برای خورشید

«ها» در دو آیه بعد - یعنی در آیات: ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا

جَلَّاهَا * وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾ - نیز باید به

شمس برگردد و هیچ مرجع دیگری غیر از

شمس برای آن وجود ندارد.

اللیل نیز همان لیل مشهور نیست

«اللیل» نیز همانند «النهار» و همانند «الشمس» و نیز همانند «ضحایا» و همچنین مانند «القمر»، که شمس و قمر و ضحی و نهاری نیستند که معروف اهل زمین است، همان لیلی نیست که بر زمین حاکم می شود.

فعالیت اللیل در شب اسراء

در بخشی از «شب اسراء»، «اللیل» تمام خورشید

را به زیر پوشش تغشیه خودش _ که پوشش

کاملی است _ قرار داده است.

از تفسیرها ما خورا (۱۵)

خوردن سپید در مشیت الهی

سلام الله ابدًا ما

فروزان سازی خورشید توسط النهار

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وَالشَّمْسِ

وَضُحَاهَا * وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا * وَالنَّهَارِ إِذَا

جَلَّاهَا * وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾.

سوره شمس / ۱ تا ۴.

اقدامی متفاوت با واکنشهای خورشیدی

واکنشهای خورشیدی، دائم در حال انجام و خورشید دائماً در حال فروزش است. اما آیه: ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا﴾ دلالت دیگری دارد. بر

این اساس، خورشید تنها در بعضی از اوقات، «تجلی» می کند و این

«تجلی»، حاصل تلاش خودش و این واکنشها نیست بلکه این

«تجلی» از اقدامی ناشی می شود که «النهار» انجامش می دهد.

زمام اختیار خورشید به دست نهار

اختیار فروزان سازی خورشید - ولو در یک
مقطع کوتاه - در دست «النهار» است و در این
مقطع، «النهار» سبب فروزش خورشید می شود.

النهار موجودی از جنس اللیل

«النهار» موجودی از جنس «اللیل» است که قدرت

جلوه‌گر سازی «الشمس» را دارد نه و بلکه **جلوه**

خورشید - دست **کم** در مقطعی که آیه مشخص

می‌کند - وابسته به «النهار» است.

از تفسیرنا ماخوذاً (۱۵)

معرفی کوتاهی از سران این

سلام الله ابداً ما

قسم دیگری در کنار قسمهای خدا به اللیل

- ﴿وَالضُّحَىٰ * وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ﴾.
- ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ * وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ﴾.
- ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ * وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ﴾.

قسم دیگری در کنار قسمهای خدا به اللیل

● ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ * وَالصُّبْحِ إِذَا اسْفَرَ﴾.

● ﴿وَالْفَجْرِ * ... * وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِر﴾.

● ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى * وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾.

● ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى * وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى﴾.

بولد بودن بحثهای دیگری در اسراء

در «اسراء پیامبر رحمت»، بحث «ضحی»، «فجر»، «نهار»،

«صبح» و «شفق» نیز در بین بولدها و بلکه باید

پذیرفت که این بحثها به عنوان یکی از پایه‌های

مهم این واقعه، مطرح بوده است.

به همان برهانها که گذشت:

این حقایق، همگی حقایق متفاوت با تمام آن
صورت‌هایی هستند که از این واژه‌ها در ذهنها نقش

می‌بندد. این حقایق، همگی اعضای گروهی
هستند که تمام عالم به زیر مهمیز تسخیر و اداره

آنان قرار دارد.

از خاطرها به دور نماند که...
از نرسیدن پیامها غمناک (ها)

این حقایق، همگی در ارتباط با

خاتم پیامبران هستند و با او به

«اسراء» رفته‌اند.
سلام

از پذیرش ما خورا (۱۵)

عکس مینی
تمام عالم در مشت اداره اللیل و همسراهای

سلام الله ابد امان

تمام عالم در مشیت تسلط اللیل

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وَاللَّيْلِ إِذَا
يَغْشَى * وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى * وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ
وَالْأُنثَى * إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى﴾

سوره لیل ۱ تا ۴.

غشیان و تغشیه‌ای نا شناخته

بر اساس تعبیر: ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى﴾، پوشش دهی تنها در بخشی از شب و یا تنها در بخشی از آن شب مشخص، صورت می‌گیرد و این پوشش دهی به مفهوم تاریک و تاریک‌تر شدن و پوشا و پوشاتر شدن نیست و یعنی این پوشش دهی از نوع آن پوشش دهی نیست که با پرده کششی و پوشش دهی انجام شود.

اشتباه نشود

«لیل» و «نهار»ی که به دنبال هم بر زمین حاکم می‌شوند، اگر چنانچه «تغشیه» داشته باشند، با تغشیه موجود در ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى﴾ متفاوت است. آن تغشیه از نوع تغشیه لیل بر نهار است نه از نوع تغشیه لیل و نهار بر تمام زمین.

قدرت خارج سازی خورشید از مدار

بر اساس آیه: ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾، «اللیل» تمام خورشید را در زمانی مشخص، در مشیت سلطه و اداره خودش قرار می دهد و آن چه گذشت، نشان می دهد که «اللیل» در آن زمان مشخص، قدرت خاموش و روشن سازی خورشید و نیز خارج سازی خورشید از مدار را داراست.

خروج خورشید از مدار ممکن است

ممکن است گمان شود که خورشید و اجرام
آسمانی هیچ گاه از مدارشان خارج نمی‌شوند.

باید البته دانست که این عمل نه تنها امکان
دارد که رخ هم داده است.

اتیان آسمانها و زمین

﴿ثُمَّ أَسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا

وَاللَّأَرْضِ أَتِيًّا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا

طَائِعِينَ﴾

سوره فصلت / ۱۱.

حرکتی غیر از حرکت اجرام در مدارهایشان

حرکتی که این آیه از آن سخن می‌گوید، همان حرکتی نیست که اجرام آسمانی در مدارهایشان انجام می‌دهند. بلکه این حرکت به دنبال فرمان خدای حکیم و برای نشان دادن اطاعت صرف آسمانها و زمین صورت گرفته است.

اطاعت بی چون و چرا از بندگانی ممتاز

تمام اجرام آسمانی در هر زمان در اختیار خالقشان

هستند و در هر زمان، با اختیاری که خدای

حکیم به آنان داده، مطیع صرف، به اطاعت از

فرمانهایی می پردازند که از سوی افرادی خطاب به

آنها صادر می شود که حق فرمان دارند.

دو حرکت برای خورشید

﴿وَأَيَّةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ *
وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ *
وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ * لَا
الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ
فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾

سوره یس / ۳۷ تا ۴۰.

قدرت پوشش الیل بر تمام عالم

بنا بر این و با تصریح به این واقعیت که حرکت اجرام آسمانی به حرکت در مدارهایشان محدود نمی‌شود و نیز با روشن شدن این حقیقت که جنس «اللیل» با لیلی که بر زمین حاکم می‌شود، متفاوت است و هم‌چنین با روشن شدن این واقعیت که «اللیل» توان خارج کردن خورشید از مدارش را دارد و خارج نیز می‌کند، **اطلاق «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى»** تمام اجرام آسمانی را شامل می‌شود.

یعنی باید پذیرفت که...
از نوزاد تا پانزده سالگی

در بخشی از «شب اسراء»، «اللیل» نه تنها
خورشید را به زیر سلطه خویش فرو برده بود
که تمام عالم را به زیر سلطه اداره خودش
فروکشانده بود.

بحث در اطلاق فروزان سازی النهار

اگر تعبیر: ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى﴾ به صورت «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّى» نازل شده بود، به راحتی، همین اطلاق برای «النهار» نیز ثابت بود و با توجه به تعبیر ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا﴾، در این مورد نیز می شد اظهار داشت که تمام عالم به زیر سلطه «النهار» هم قرار دارد اما تعبیر موجود، ابتدا و به تنهایی از چنین دلالتی برخوردار نیست.

البته نباید فراموش کرد که:

«اللیل» و «النهار» هم در خارج این آیات، با یکدیگر ارتباطی محکم و تعریف شده دارند و هم در این آیات برای آنها ارتباطی تنگاتنگ تعریف شده است. با وجود این ارتباط و صدور چنان حکمی برای «اللیل»، همان حکم برای «النهار» نیز صادر می‌شود. به همین دلیل، این حکم برای سایر همراهان «اللیل» نیز جاری است.

نظم و نظامی که خدا طرحش کرده است

این مطالب اگر چنانچه درست مطرح شده باشد، **نظم و نظامی است که خالق آسمانها و زمین تعریف می کند نه آن چه بندگان با حدس و ظن و گمان، با برهان و بی برهان به صورت فرضیه و یا حقیقت، مطرحش می کنند.**

از تفسیر نهج ماثورا (۱۵)

عکس العمل
اللیل نظام و هنده نظام خاص شب اسراء

سلام الله ابداما

آماده سازی تمام عالم برای سان پیامبر رحمت

﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ * وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ *

وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ * لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ *

فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾

سوره انشقاق / ۱۶ تا ۲۰.

نگاهی به دو تعبیر وسق و اتسق در این آیات

به کار رفتن تعبیر «اتَّسَقَ» در کنار تعبیر «وَسَقَ» در آیات:
﴿وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ * وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ﴾ حکایتی روشن از آن دارد که
«وَسَقَ» فعلی متعدی و «اتَّسَقَ» فعلی لازم است که از پذیرش اثر
«وَسَقَ» توسط «القمر»، حکایت می‌کند. این دو تعبیر، در دو آیه‌ی پی‌در
پی و در ارتباط با یکدیگر به کار رفته است.

القمر زیر مهمیز اللیل

در تعبیر ﴿وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ﴾، فعل «وَسَقَ» توسط

«اللیل» انجام می‌شود. بنا بر این و بر همین

پایه‌ها باید پذیرفت که آن چه «القمر» را به

«اتساق» می‌کشاند، همان «اللیل» است.

نظمی خاص برای شبی خاص

«اتساق» به نظم کشیده شدن است و برای این

اساس و برپایه تعبیر: ﴿وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ﴾، باید

پذیرفت که «القمر» همیشه در حال نظم نیست

بلکه تنها در یک شب و آن هم بخشی از یک شب

خاص به نظم کشانده می شود.

همه عالم در نظمی همیشگی

﴿الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَّا تَرَى فِي خَلْقِ
الرَّحْمَانِ مِنْ تَفَافُوتٍ فَأَرْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ*
ثُمَّ أَرْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبُ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا
وَهُوَ حَسِيرٌ﴾. سوره ملک / ۳ و ۴.

بازگشت القمر به نظمى هميشگى

بنا بر اين، نظامى كه آيات: ﴿وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ * وَالْقَمَرِ إِذَا أَتَسَقَ﴾ از آن دم مى زند، اين نظام نيست. اين نظام، نظام هميشگى «القمر» است و آن نظام، نظامى است كه تنها در «شب اسراء» آن هم در زمان مشخصى از آن شب رخ مى دهد و بعد از آن، «القمر» به نظام هميشگى خودش باز مى گردد.

یک بار در تمام آفرینش

از آن جا که «اللیل» تنها به یک شب اطلاق می شود، این خروج از نظم همیشگی و قرار گرفتن در نظامی جدید و بازگشتن به نظام سابق، تنها و تنها یک بار در تمام آفرینش به انجام رسیده است.

نظام تمام آفرینش برای یک بار

تعبیر «وَمَا وَسَقَ» نشان می‌دهد که غیر از «القمر»

وجودهای دیگری نیز به این نظم و انتظام

می‌پیوندند بلکه به این نظم و انتظام، پیوند داده

می‌شوند و به هر حال، همین تعبیر نشان می‌دهد

که «اللیل» همه آنها را به نظام می‌آورد.

خروج از نظام همیشگی یعنی خروج از مدار

خروج از نظام همیشگی «القمر» به مفهوم خروج از

مداری است که هماره در آن حرکت می کند؛ همان

مداری که آیه: ﴿لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ

الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾ از

آن خبر می دهد.

این خروج از مدار گزارش‌های بسیاری دارد

﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْخَنَّاسِ * الْجَوَارِ الْكُنَّاسِ * وَاللَّيْلِ

إِذَا عَسَعَسَ * وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ * إِنَّهُ لَقَوْلُ

رَسُولٍ كَرِيمٍ﴾

سوره تکویر، ۱۵ تا ۱۹.

همه اجرام آسمانی در شب اسراء در نظمی جدید

همه اجرام آسمانی که به دید می آیند و یا به
دید نمی آیند، در شب اسراء در زمان اسراء از
مدارهای خودشان خارج شده و در نظم
جدیدی قرار گرفته بودند.

نظمی موردی و فقط برای یک بار

به دلیل وجود «اذا» در این آیات، این تعبیر را نیز باید همانند تعبیر ﴿وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ * وَالْقَمَرِ إِذَا

أَتَسَقَ﴾ در خروج از نظم همیشگی و در قرار

گرفتن در نظم جدید، موردی دانست.

عظمت اللیل، عظمتِ دیگری است

در تمام آیات اسرایی قسم به «اللیل»، این عمل
به «اللیل» و نه به سایر همراهان «اللیل» نسبت
داده شده است که حکایتی بی چون و چرا از
عظمت «اللیل» دارد.

الليل همراه اسراء پیامبر رحمت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ *

وَالْفَجْرِ * وَلَيَالٍ عَشْرٍ * وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ

سوره فجر ۱ تا ۴.

* وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرُ *

تمام اسراء در شب

«اسراء» نامی است که خدای حکیم بر تمام حرکتی قرار داده است که پیامبر رحمت در مسیر رفت از «المسجد الحرام» تا «المسجد الأقصى» انجام می دهد. به منطبق کتاب خدا، طی تمام این مسیر، در شب انجام شده و این به آن معنی نیست که فقط شروع این حرکت در شب واقع شده است.

همراهی الیل در تمام اسراء

در تمام مسیر رفت پیامبر خدا تا افق اعلیٰ، «لیل» پیامبر رحمت را همراهی می‌کرد و با سیطره و احاطه کامل بر تمام اجرام آسمانی آنها را در نظامی قرار می‌داد که قابلیت سان دیدن را داشته باشند. این بخشی از «ارائه» آیات به پیامبر رحمت نیز هست؛ همان ارائه‌ای که بخشی از هدف «اسراء» است.

آیات غیر کبری و آیات کبرای خداوند

این آیات البته آیات غیر کبرای خداوند هستند و
ارائه آیات کبرای خداوند _ همان گونه که
پیش از این مورد بحث قرار گرفت _ در رتبه «قاب
قوسین او ادنی» به انجام می رسد.

از تفسیر نهج ماخوذ (۱۵)

زمانی که **عالمی** **مسئله** آرام می گیرد

سلام الله ابد امان

بخش دیگری از این حرکت عظیم

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وَالضُّحَى * وَاللَّيْلِ إِذَا
سَجَى * مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى * وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لَكَ
مِنَ الْأُولَى * وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى﴾.

سوره ضحیٰ ۱ تا ۵.

استوای الیل بر تمام آفرینش

در شبِ «اسراء پیامبر رحمت»، «اللیل» مسؤولیتی عظیم را بر عهده داشت که برای انجام این مسؤولیت، باید از قدرتی بسیار عظیم در تمام آفرینش برخوردار باشد و برای داشتن این قدرت بسیار عظیم و این مسؤولیت پر عظمت، نه تنها تمام آفرینش باید در تسخیر «اللیل» باشد که «اللیل» باید بر تمام آفرینش استوا داشته باشد.

پایان این فعالیت عظیم

آیاتی که مطرح شد، خبر از آن می‌دهد که
«اللیل» تمام آن چه را بر عهده داشت به انجام
رسانید و آیات «سوره ضحی» حکایت از آن دارد
که برای این فعالیت پایانی نیز تصویر شده است.

پایان فعالیت در افق اعلی

«اسراء پیامبر رحمت» از «المسجد الحرام» آغاز شد و به «المسجد الأقصى» خاتمه یافت و این همان است که «آیه اسراء» از آن خبر می دهد اما این بخش از این حرکت خاتم پیامبران، مقدمه ای برای حضور آن حضرت در رتبه «قاب قوسین أو أدنی» است.

یعنی...

سوگند: ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى﴾ قسم به «اللیل» در
زمانی است که پیامبر رحمت به «المسجد
الأقصى» رسیده است. در این زمان، مسؤولیت و
فعالیت «اللیل» به پایان می‌رسد.

زمانی که پیامبر رحمت بر عالم استوا داشت

سوگند: ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى﴾ قسم به «اللیل» در زمانی

است که پیامبر رحمت به «افق اعلی» و یعنی به

جایی رسیده بود که بر تمام عالم استوا داشت: ﴿ذُو

مِرَّةٍ فَأَسْتَوَى * وَهُوَ بِالْأَفُقِ الْأَعْلَى﴾.

حقیقتی عظیم همراه خاتم پیامبران

در تمام طول «اسراء پیامبر رحمت» حقیقتی با پیامبر همراه بود که قدرت چیرگی بر تمام نورهای عالم و منابع نور عالم و نیز بر تمام اجرام آسمانی دیگر را به گونه‌ای داشت که تمام آنها را به نظمی جدید و موقت می‌کشاند؛ نظمی که آنها را برای سان دیدن خاتم پیامبران آماده می‌ساخت.

فراموش نشود:

از «افق اعلی» تا «قاب قوسین أو أدنی» و از «قاب قوسین أو أدنی» تا «افق اعلی»، نه زمان وجود دارد و نه مکان و به این سبب، حرکتی نیز وجود نخواهد داشت و تمام اقدامی که در این مرحله صورت می‌گیرد، از راه «دنو» و «تدلی» و «نزول» صورت می‌پذیرد و البته که «اسراء» برای حرکت به کار می‌رود، نه برای «دنو» و «تدلی».

بالاتر از افق اعلی از عالمیان خبری هم در میان نیست

در مراحل یاد شده از «لیل» و همراهی «لیل» و احاطه
«لیل» بر سایر حقایق، دیگر خبری هم در میان
نیست. این البته در حالی است که مقصود از
«اللیل» حقیقتی غیر از حضرت زهرا و مرضیه و امیر
ابراار باشد که سلام خدا بر آنان باد.

از تفسیرها ما خود را (۱۵)

استغاثه ای در ایس

سلام الله ابدًا ما

روایتی در کتاب کافی برای معرفی این حقایق

در جزء هشتم از کتاب شریف کافی - که روضه کافی است - روایتی از وجود مبارک حضرت امام صادق نقل است که بر اساس آن، «الشمس» وجود مبارک پیامبر رحمت و «القمر»، وجود مبارک امیر مؤمنان است. در این روایت، هم‌چنین خبر از آن داده شده است که لیل به امامان جور باز می‌گردد:

روایتی از وجود مبارک حضرت امام صادق علیه السلام

«... عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا﴾. قَالَ: الشَّمْسُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. بِهِ أَوْضَحَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِلنَّاسِ دِينَهُمْ. قَالَ: قُلْتُ: ﴿وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَاهَا﴾؟ قَالَ: ذَاكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَلَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَنَفَثَهُ بِالْعِلْمِ نَفْثًا. قَالَ: قُلْتُ: ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾ قَالَ: ذَاكَ أَيْمَةُ الْجُورِ الَّذِينَ اسْتَبَدُّوا بِالْأَمْرِ دُونَ آلِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَجَلَسُوا مَجْلِسًا كَانَ آلُ الرَّسُولِ أَوْلَى بِهِ مِنْهُمْ،

روایتی از وجود مبارک حضرت امام صادق علیه السلام

فَغَسُوا دِينَ اللَّهِ بِالظُّلْمِ وَالْجَوْرِ، فَحَكَى اللَّهُ فِعْلَهُمْ، فَقَالَ: ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾. قَالَ: قُلْتُ: ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا﴾؟ قَالَ: ذَلِكَ الْإِمَامُ مِنْ ذُرِّيَّةِ فَاطِمَةَ عليها السلام، يُسْأَلُ عَنْ دِينِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَيُجَلِّيه لِمَنْ سَأَلَهُ. فَحَكَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ قَوْلَهُ، فَقَالَ: ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا﴾. «.

الكافي ج ١٨ / ٥٠.

تنها فرمایش در تفسیر اللیل

این تنها فرمایشی است که در تفسیر «اللیل»ها از این طریق به دست رسیده است. بر اساس همین تفسیر، به کار رفتن تعبیر ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾ برای امامان جور، یک کاربرد استعاره‌ای است.

کاربردی نه مانند دو کاربرد دیگر

در حالی که حضرت امام صادق _ آن گونه که در این فرمایش آمده _ به این مطلب تصریح کرده که مقصود از «الشمس» رسول خدا و مقصود از «القمر»، امیر مؤمنان است، به این مطلب تصریح نیز کرده که امامان جور با ظلم و جورشان بر «دین خدا» پوشش ایجاد می کنند نه بر «رسول خدا» و به کار رفتن «دین خدا» به جای «رسول خدا»، حتماً استعاره است.

کاربرد جمع برای لفظ مفرد، برهانی دیگر

از سویی دیگر، در حالی که «الشمس» برای رسول خدا به کار رفته و در حالی که «القمر» برای شخص امیر مؤمنان استعمال شده «اللیل» برای «امامان جور» به کار رفته است که دیگر یک نفر نیستند، بلکه گروهی عظیم هستند که شاید بتوان گفت که از حد شمارش هم بیرون است. این کاربرد نیز یک کاربرد حقیقی نیست.

وصف فعل امامان جور نه وصف خود آنان

هم چنین و همان گونه که عبارت: «فَحَكِي اللَّهُ فِعْلَهُمْ، فَقَالَ:

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾» نشان می دهد، آیه: ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾

وصف فعل امامان جور است نه وصف خود آنان. بنا براین، این

عبارت، برهانی براین واقعیت است که این آیه شریفه، استعاره

از فعل امامان جور است نه از خود آنان.

باید این نکته را برای همیشه بحث در نظر داشت

به هر حال، با وجود این روایت، در این خصوص، **یا باید آیه:**

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾ را از مجموع آیاتی که در آنها به

«اللیل» قسم یاد شده، جدا دانست و به بررسی آیات شش

گانه دیگر در کتاب خدا پرداخت و یا باید با توجه به

این نکات، در این خصوص، بحث کرد.

مقتل حضرت عون بن عبد الله بن جعفر

ثم خرج عون بن عبد الله بن جعفر بن ابي طالب، فحمل وهو يقول:

إن تنكروني فأنا ابن جعفر* شهيد صدق في الجنان الأزهر

يطير فيها بجناح أخضر* كفى بهذا شرفا في معشر

فقاتل حتى قتل . قتله عبد الله بن قطبة «الخوارزمي مقتل الحسين ٢٧/٢»

قامت کمان کند که دو تا تیر آخرش

یک دم سپر شوند برای برادرش

خون عقاب در جگر شیرشان پراست

از نسل جعفرند و علی این دولشکرش

این دوز کودکی فقط آینه دیده اند

آینه ای که آه نسازد مکدرش

واحیرتا که این دو جوانان زینب اند

یا ایستاده تیر دوسر در برابرش؟

با جان و دل دوپاره جگر وقف می کند

یک پاره جای خویش و یکی جای همسرش

چون تکیه گاه اهل حرم بود و کوه صبر

چشمش گدازه ریخت ولی زیر معجزش

زینب به پیشواز شهیدان خود نرفت

تا که خدا نکرده مبادا برادرش ...

زینب همان شکوه که ناموس غیرت است

زینب که در مدینه قرق بود معبرش

زینب همان که فاطمه از هر نظر شده است

از بس که رفته این همه این زن به مادرش

زینب همان که زینت بابای خویش بود

در کربلا شدند پسرهایش زیورش

گفتند عصر واقعاً آزاد شد فرات

وقتی گذشته بود دگر آب از سرش

حمید رضا برقی

وقت اوج دو کبوتر دوبرادر شده بود

نیزه و تیر و تبرها دوبرابر شده بود


خیمه‌ای سد دو چشم تر مادر شده بود

ضربه هاشان چه مکر چه مکر شده بود

روی پیشانی زینب دوسه تا چین افتاد

تا که از نیزه سر این دوبه پایین افتاد

شاعر: حسن لطفی



برای دریافت فایل‌های صوت، متن و
پاورپوینت مربوط به مباحث مطرح شده
در این شبها می‌توانید به پایگاه اینترنتی

www.sadeqifard.com

مراجعه کنید.

البر الطاهر اليد مضمومة كالأ



لَوْ كُنَّا نَعْلَمُ عَمَلِ الْفِتْنَةِ

لَا

